

## باب صلاحیت

قرارداد ملل متحد در مواد ۱ و ۱۳ و ۵۵ مقرر میدارد که برعایت حفظ حقوق افراد صرفنظر از تابعیت آنها برای تأمین موازین حقوق بین الملل بطور واحد نسبت بافراد بشری اجرا شود ولی فقط در مورد بعضی از نکات مهم اعلامیه حقوق بشر نه بطور کلی - و در بعض مواد دیگر قرارداد مزبور دولتهائی را که ملحق بان شده اند الزام میکند که حقوق بشری را مراعات کنند و از هر نوع عملی که موجب سلب حق آنها میشود خودداری نمایند.

مثلاً قرارداد صلح با مجارستان مورخ ۱۹۴۷ در ماده ۲ مقرر شده « امضا کنندگان این پیمان باید تمام وسائل لازمه را فراهم نمایند که در اعمال قضائی مجارستان نسبت به تمام مردم امکان تمتع از حقوق بشری و آزادی اساسی ایجاد و تأمین گردد » و همچنین در قرارداد ژنو موزخه ۱۹۴۹ این مطلب تأیید و تأکید گردیده است.

اکنون برای آنکه ملاحظه شود جامعه ملل متحد برای حفظ این اصول چه اقداماتی بعمل آورده یک مثال روشن و زنده از کشور مزبور را بیان میکنم.

توضیح مطلب آنکه در دوم مارس ۱۹۵۷ در لاهه کمیسیونی مرکب از معروفترین وکلای دادگستری ۱۴ کشور متمدن عالم تشکیل گردید.

علت تشکیل این کنفرانس مطالعه در مداخلات دولت شوروی در امور مجارستان بود که از نوامبر ۱۹۵۶ بپس واقع شده و بمنظور جلب نظر کلیه وکلای دادگستری جهان بود بطرز قضاوتی که سیستم (کادار) در آن کشور بوجود آورده است و معروف است ب سیستم قضاوت اختصاری.

در کنفرانس مزبور دلایل و مدارك جمع آوری شد گزارش آن توسط هارتلی شوکروس Sir Hartly-Showercross در ژنو در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۵۷ بکمیسیون خاص جامعه ملل متحد تقدیم شد - این گزارش را تحت عنوان « وضعیت هنگری و قدرت قانون » نام گذاری کردند.

( هر کس نایل باشد میتواند متن این گزارش را که خیلی جالب توجه از لحاظ عدالت و تمدن در قرن حاضر است از کمیسیون بین المللی قضاة بآدرس Butenhof - tho Hague - Netherlands - 47 بخواند - یک نسخه آنرا مجاناً خواهند فرستاد ).

و نظریه ای که در جامعه ملل راجع بحقوق مجارستان اتخاذ شد متکی بود بلسناد و دلایل و تحقیقاتی که کمیسیون قضائی نامبرده تهیه کرده بود ( گزارش ۲۰ ژوئن

## باب صلاحیت

( ۱۹۵۷ ) و آن دلائل مورد قبول جامعه واقع گردید کما اینکه در صفحه ۲۰۸ گزارش کمیسیون این جمله تصریح شده « یک مداخله دسته جمعی مسلح بوسیله یک دولت در قلمرو حکومت کشور دیگر که استنباط میشود بمنظور دخالت در امور داخلی آن کشور است و باید از طرف دولت شوروی توضیح داده شود لازم است از نظر بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد » .

بعلاوه در فصل ۱۶ گزارش جامعه ملل متحد تصریح شده که مراعات « حقوق بشری و آزادی اساسی » موضوع قرارداد صلح ۱۹۴۷ و پیمان ژنو ۱۹۴۹ که مورد اخلال واقع شده همانطور که کمیسیون قضاة بین‌الملل نظر داده‌اند باید مورد توجه قرار بگیرد. لهذا گزارش مزبور توجه عموم و کلای دادگستری جهان را باین نکته جلب مینماید که حقوق بشری و اجرای عدالت در مجارستان مورد تعرض و اخلال واقع شده و لهذا رئوس مسائل ذیل از طرف جامعه ملل متحد پشتیبانی و تأیید میشود :

الف - مداخله شوروی در امور مجارستان طبق توضیحات شوروی در نظر جامعه ملل تجاوز و تعرض شناخته میشود. ( Aergssion )

ب - اقدامی که برای درهم شکستن اقلیت ملت بعمل آمده و نظر آن اقلیت حفظ حقوق بشری و آزادی اساسی بوده نقض پیمان صلح ژنو ۱۹۴۹ شناخته میشود.

ج - ایجاد محاکم اختصاصی و اتخاذ رویه سریع قضاوت در این کشور نتیجه اش سلب حق دفاع است که از اهم حقوق بشری و آزادی فردی است - کما اینکه تعداد محاکماتی که ماههای بعد از انقلاب رسیدگی و خاتمه یافته بیش از دوبرابر کارهایی است که در ماههای قبل از انقلاب بررسی شده و این اقدامات میرساند که محاکم در نتیجه سرعت و اجباریات اتخاذ تصمیم سریع و فوری مدافعات متهمین و وکلای آنها را مورد توجه قرار نداده‌اند.

د - قوانین جدیدی که تا ۱۵ ژوئن بتصویب رسیده و اجازه داده است که اولاً محاکمات انجام یافته و امور قضاوت شده را مجدداً مورد رسیدگی در محاکم اختصاصی قرار بدهند - ثانیاً متهمین پرونده‌های کیفری را مجبور کرده است که وکلای مدافع خود را از وکلای تعیین کنند که صورت آنها بتصویب وزیر دادگستری مجارستان رسیده است و آزادی آنها را در انتخاب وکیل از سایر مشاورین حقوق سلب کرده - و همچنین مواردی که کمیسیون بین‌المللی قضاة با ذکر شماره پرونده‌ها و موضوعات مطروحه در گزارش خود نوشته است مدلل میدارد که حقوق بشر در هنگری نقض شده است.

ه - مقاومت بعضی از قضاة و دادستانها در مقابل فشارهایی که رژیم کادار برای اعمال نظریات آنها وارد میسازد و عدم رضایت دولت از قضاة و وکلای دادستانها که نظرشان حفظ حقوق بشری است خود از دلائل مشته صحت گزارش کمیسیون بشمار میرود لهذا گزارش کمیسیون ملی قضائی جامعه ملل متحد که نماینده عقیده قضائی وکلای دادگستری جهان است بعنوان عقیده عمومی دنیای آزاد شناخته میشود - و باید این

## باب صلاحیت

عقاید حامی پیمان صلح ژنو ۱۹۴۹ و ضامن حفظ حقوق بشری محسوب گردد و این گزارش بعنوان شهادت ناظرین امور قضائی هنگری پذیرفته شود.

امضاء نورمان مارچ - دبیر کل

ژوئن ۱۹۵۷

این بود خلاصه توجه دنیای متمدن در مورد کشوری که دستگاه قضائی و محاکماتی خود را مزاحم حقوق آزادی اساسی و رئوس حقوق بشری ترتیب داده است.

و از این توجه خاص جامعه ملل که اکثر دول بان ملحق شده‌اند چنین استفاده میشود که در قوانین هر کشور متمدن امروز لازم است روح وحدت قوانین حکمفرما باشد و رویه ابتکاری و مخصوصی برای وضع قانون یا برای ایجاد محاکم اختصاصی که منافی با صیانت حق آزادی بشری باشد اتخاذ نمایند.

گاهی دیده میشود که از طرف کشور دیگری فشار و زور و اجبار بکشور دیگر وارد نشده ولی اولیاء امور از طول مدت کارها یا از قدرت فکری و کلامی مدافع یا از دقت نظر قضاة خسته میشوند بخصوص در موقعیکه کارها مطابق دلخواه آنها انجام نمیشود و یا اینکه دستگاههای اداری در نتیجه بند و بست با اصحاب رجوع مدارك و دلائلی بلسست مردم بی حق میدهند که همان دلائل و سببها پیشرفت سوء استفاده کنندگان در مراجع قضائی میشود. در این مواقع بجای آنکه بعلل واقعی توجه کنند و عیب اساسی سوء جریان را درك و آنرا اصلاح نمایند معتقد میشوند که هم (قانون ناقص و معیوب است) و هم (دستگاه قضائی فاسد است) لهذا چندین لایحه قانونی با کمال عجله و بدون مطالعه کافی تهیه میکنند و هنوز آنها تکمیل نشده (باصلاحات) دستگاهی قضائی میپردازند یعنی جای قضاة را عوض میکنند - بعضی را اخراج و بعضی را ترفیع میدهند و بالاخره کارهای قضاوت شده و خاتمه یافته را بمحاکم اختصاصی منتقل مینمایند و از حجم صلاحیت قوه قضائیه مقدار مهمی کسر میکنند - باز هم تاریخ نشان میدهد که این اقدامات بی اثر بوده عدالت تأمین نشده سهل است روح وحدت قوانین و اساس تأمین عدالت هم متزلزل گردیده است.

در حقیقت جامعه ملل میزان و معیار صحیحی بلسست داده که در وضع قانون و طرز اجرای آن باید مراعات شود صحیح است که هر کشوری برای ملاحظات سیاسی و اجتماعی و رعایت حقوق مخصوصاً اتباع خود میتواند قواعد و قوانین اختصاصی برای یک طبقه از مردم و مقیمین قلمرو خود وضع نماید و این حق سلطه دولت است که مورد احترام عالم است اما ملاك در وضع قوانین اختصاصی و ملاك در تأسیس محاکم و آئین نامه ها و فرمانهای دولتی در طرز رسیدگی و محاکمات و مجازات ها باید طوری باشد که موجب تولید نفاق و اختلاف بین ممالک نشود.

این هم یکی از قواعد قابل توجه در ایجاد وحدت قوانین برای تأمین عدالت است.

## باب صلاحیت

اما در مورد صلاحیت محاکم داخلی لازم است چنان راه اغراق پیموده نشود که حتی بعضی از مسائل که بموجب قراردادها مورد قبول و الحاق دولت‌ها واقع شده و اقتضا دارد دولتین متعاهدین رویه واحدی در طرز رسیدگی و اجرای آن اتخاذ کنند باز هم عملاً و برحسب تعصب تاریخی آن مسائل حقوقی را از حدود صلاحیت محاکم داخلی خارج و بمحاکم اجازه قبول و رسیدگی و حکم داده نشود.

مردود شناختن مسائل مشترك از نوع مزبور را از صلاحیت محاکم باین علت مشروع میدانند که میگویند ورود در آن مسائل یک نوع مداخله در امور داخلی کشور دیگر است در صورتیکه از یکطرف نظریه وحدت حقوق در مسائل اساسی و مورد احتیاج عامه و از طرف دیگر الحاق کشورها و دولت‌ها بیک پیمان بین‌المللی راجع بان مطالب در حقیقت اجازه و اختیاری است که برای قبول و رسیدگی و طرح آن مسائل در محاکم کشور داده شده و عذر (عدم مداخله) در (امور داخلی) کشور دیگر مصداق ندارد.

فرضاً که مطلب را از نظر صلاحیت محاکم داخلی منع کنیم لااقل باید باین حقیقت اعتراف کنیم که ورود جامعه ملل در بحث این مسائل اعم از رویه آکادمیک یا موضوعی مداخله در امور داخلی یک کشور محسوب نمیشود بلکه الحاق دول به پیمان جامعه ملل این اجازه را داده است و در حقیقت جامعه ملل یک دادگاه با صلاحیت وسیع‌تری است که تمدن جدید بر حسب احتیاج آنرا بوجود آورده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی